



مقاله «سایه بورس بازی بر محیط کسب و کار»، منتشر شده در راه پرداخت تیر ۹۹

این روزها برخی از کسب و کارها با درخواستی عجیب از سوی کارمندان خود مواجه هستند؛ ساعت کاری از ۱۲ ظهر به بعد و آن هم به دلیل درآمدهای حاصل از معاملات بورسی. یکی از مهم ترین راه های سرمایه گذاری بورس است و این افراد این روزها تصور می کنند که بورس بهترین انتخاب برای سرمایه گذاری است. آنها بورس را انتخاب کرده اند و حالا برای اینکه سر فرصت بتوانند به خرید و فروش بپردازند و درآمدی از این راه داشته باشند، از کارفرما درخواست می کنند که ساعت کاری آنها را تغییر دهد و اگر با این درخواستشان موافقت نشود حاضر هستند که استعفا بدهند. عده ای نیز بدون داشتن هیچ درخواستی در لابه لای کارهایشان به معامله کردن می پردازند و روزانه بخشی از انرژی و وقت خود را صرف این موضوع می کنند. جوی که این روزها در شرکت ها و بین کارمندان به وجود آمده، قطعاً اگر کنترل نشود می تواند چالش جدی را برای کسب و کارها ایجاد کند.

آیت حسینی مدیرعامل گروه نشانه نیز با چنین درخواست هایی روبه رو شده است. او در این خصوص توضیح داد: «در ابتدا به صورت خیلی محدود چنین درخواستی مطرح شد؛ اما با اتمام قرنطینه، این درخواست ها بیشتر شد و بهانه های مختلفی هم برای این تصمیم گفته می شد. البته پرسنل قدیمی که با شرایط کاری و روحیات من آشنا بودند و با توجه به تعصبی که به مجموعه داشتند، چنین درخواستی را مطرح نمی کردند و این خواسته ها بیشتر از طرف نیروهای جدیدتر و جوان تر مجموعه مطرح می شد. در ابتدا پاسخ من، پیشنهاد ساعت کاری از ۱۲ ظهر به بعد به صورت آزمایشی و به شرط تأثیر مثبت در راندمان کاری بود، چون افرادی که چنین خواسته ای داشتند، بهانه هایی از جمله مریضی افراد خانواده یا درگیری کاری را مطرح می کردند که اخلاقاً وظیفه داشتم با ایشان همراهی کنم؛ ولی کمی بعدتر که درخواست ها بیشتر شد، صریحاً مخالفتم را اعلام کردم. وقتی اصرار همکاران را دیدم، از آن ها خواستم تا صادقانه علت واقعی این درخواست را مطرح کنند که در پاسخ گفتند صبح ها در بازار بورس فعالیت دارند. در هر حال من با این درخواست به صورت موردی موافقت یا مخالفت کردم.»

پیشنهاد حسینی به همکارانی که اصرار بر چنین روش همکاری داشتند این بود که می توانند به جای همکاری تمام وقت به صورت پاره وقت به همکاری با نشانه ادامه دهند و اساس کار را بر پایه عملکرد خروجی قرار دهند. او توضیح داد: «واقعیت این است که در امتداد کار حرفه ای فعالان در بورس باید فراتر از ساعت ۱۲ وقت گذاشت و این می تواند خود به شغلی تمام وقت تبدیل شود. در این بین مهم این است که فرد با آگاهی و دانش انتخابش را عوض کند و پای تمام مخاطرات آن نیز بایستد.»



متأسفانه فرهنگ مردم کشور ما فرهنگ سخت‌کوشی و تلاش نیست و مثل بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته مردمانی فعال نداریم که کار کردن برای آن‌ها جذاب و در اولویت باشد. در جامعه‌ی ما کم‌تر کار کردن و بیشتر درآمد داشتن، ایده‌آل‌ترین شیوه زندگی برای مردم است. عموم مردم جامعه وقتی می‌بینند که افرادی بدون کوچک‌ترین زحمت و با تکیه بر ارتباطات و یا حتی شانس، از روش‌های قانونی و غیرقانونی، پول بسیار زیادی به دست می‌آورند، به دنبال روشی می‌گردند که آن‌ها هم بتوانند چنین پول‌های بادآورده و بی‌زحمتی را به دست بیاورند. در عین حال با توجه به شرایط اقتصادی روز جامعه که با توجه به نرخ تورم و نرخ برابری ارز، ارزش پول مردم به صورت روزانه در حال کاهش است، مردم به دنبال روشی می‌گردند که بتوانند ارزش دارایی اندک خود را حفظ کنند.

او ادامه داد: «حالا که بستری در بورس فراهم شده که با هیاهوی اطراف آن، تصور عموم مردم این است که با کمترین تلاش و وقت گذاشتن، می‌توانند در کوتاه‌مدت بیشترین سود را به دست بیاورند، چرا باید خود را متعهد و ملزم به محیط کار با انواع زحمات و تعهدها قرار دهند؟ آن‌ها فکر می‌کنند که با مدتی فعالیت در بورس می‌توانند سرمایه‌ی خود را چند برابر کنند و پس از آن، دیگر هیچ نیازی به کار کارمندی نخواهند داشت. این مسائل باعث جذابیت بازار بورس برای کارمندان شده است.»

نگرانی اصلی حسینی در مورد این مسئله در درجه‌ی اول سرخوردگی ناشی از شکست احتمالی در این بازار است که آسیب‌های روحی و روانی را برای این افراد در پی دارد. به هر حال درب بورس همیشه روی پاشنه موفقیت و سوددهی نمی‌چرخد و حتما در بلندمدت برای افراد ضررهایی نیز به همراه دارد. «هم‌چنین با توجه به وضعیت اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و بحران ویروس کرونا در سطح بین‌المللی، احتمال این که شرکت‌های بورسی در آینده‌ای نه‌چندان دور با رکودهای قابل توجه مواجه شوند، زیاد است. در چنان شرایطی افرادی که همه‌ی سرمایه مادی و معنوی و به صورت خاص، وقت خود را صرف بورس کرده‌اند، هم پس‌انداز اندک خود را از دست داده‌اند و هم به دلیل تغییر شرایط کاری، خود را از درآمد بدون ریسک کارمندی محروم کرده‌اند.»

به عقیده حسینی، کسب‌وکارها باید از این نگران باشند که نیروی انسانی آن‌ها با دید کوتاه‌مدت، فریب چشم‌انداز از دور زیبای بورس را بخورند و بخواهند سبک کاری خود را عوض کنند. پیامد چنین موضوعی، بی‌انگیزگی و کاهش بهره‌وری نیروی انسانی خواهد بود. بنابراین مدیران باید در چنین وضعیتی وقت و انرژی بیشتری برای آموزش نیروی انسانی خود به‌ویژه در جهت آشنایی آن‌ها با واقعیت بازار بورس و خطرهای آن (در عین فرصت‌ها



و مزیت‌های آن) بگذارند و در کنار آن، از کارمندان در شرایط نامساعد اقتصادی کنونی حمایت معنوی بیشتری به‌عمل بیاورند.